

روایت‌نگاری شکل‌گیری هویت دانش‌جویان در فضای دانشگاه کردستان

عاطفه ریگی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تغییراتی است که در نگرش و عقاید دانش‌جویان پس از ورود به دانشگاه صورت می‌گیرد که در نهایت منجر به شکل‌گیری هویت نهایی آنان می‌شود. روش تحقیق این پژوهش کیفی بوده و از روایت‌نگاری استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانش‌جویان دانشگاه کردستان می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۴ نفر از دانش‌جویانی که حاضر به همکاری و بیان روایت‌های خود بودند، در تحقیق شرکت کردند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌ی نیمه-ساختارمند استفاده شد و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. به منظور اعتباریابی داده‌ها از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. با توجه به نتایج تحقیق مضامین اصلی استخراج‌شده عبارت‌اند از: هویت سیاسی، هویت معنوی، هویت علمی و هویت اجتماعی دانش‌جویان که در نتیجه‌ی حضور در دانشگاه به گونه‌ای متفاوت نسبت به زمان ورود شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: روایت‌نگاری؛ هویت‌یابی؛ آموزش عالی؛ دانش‌جویان.

بیان مسأله

امروزه یکی از شاخص‌های مهم در کیفیت سرمایه‌ی اجتماعی، برخورداری اعضای جامعه از فضیلت‌هایی چند است و برای انسان‌های فرهیخته و خردمند نیز می‌توان اوصافی متصور شد. ویژگی‌هایی همچون پذیرش خود و دیگران، روابط میان فردی عمیق، احساس تعهد نسبت به آرمان‌های خود و دیگران، تحمل و پذیرش دیگران و از همه مهم‌تر علاقه‌ی اجتماعی را می‌توان برخی از این اوصاف دانست (شولتز و شولتز^۱، ۲۰۰۵). شاید بتوان گفت که فرهیختگی و اندیشه‌ورزی، در نگاه اول حکایت از داشتن تعریفی از خود، فردیت و استقلال خود است. همان تعریفی که از آن به‌طور خلاصه با مفهوم هویت یاد می‌شود. پژوهش‌گران حوزه‌ی روان‌شناسی به شکل تخصصی در این زمینه فعالیت کرده‌اند. برزونسکی^۲ سه سبک پردازش هویت را برای توصیف این سازه برگزید. این سبک‌ها عبارت‌اند از اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی که بازتابی از جهت‌گیری پردازش اطلاعات فرد هنگام پردازش هویت خود و متعهدشدن به ارزش‌ها و باورهای آن‌ها هستند. به سخن دیگر، سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به‌کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است. نخستین پژوهش‌های مربوط به هویت از مدل برزونسکی، در حقیقت شکل گسترش‌یافته‌ی نظریه‌ی مارسیا^۳ در حوزه‌ی هویت است که پیشگام پژوهش‌های مربوط به هویت پس از اریکسون^۴ و پایه‌گذار مفاهیم نوین هویت بوده است (بارت^۵ و همکاران، ۲۰۱۵).

اهمیت هویت از آن جهت است که نگرش، تصور و رفتار افراد، آن را شکل می‌دهد و ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی و محیط‌هایی که فرد در آن قرار می‌گیرد، در چگونگی مواجهه فرد با چالش‌های زندگی نقش ماندگاری بر جا می‌گذارد.

¹ Schultz & Schultz

² Berzonsky

³ Marcia

⁴ Ericsson

⁵ Bart

از آن‌جا که در دنیای امروز دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می‌شود، بررسی و شناخت مسائل فرهنگی و اجتماعی و چگونگی هویت‌سازی آن‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در گذشته، رویکرد به مسئولیت دانشگاه، بیشتر آموزشی بوده است؛ اما با رشد جوامع انسانی و به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی، هرروزه نیازها و خواسته‌های بشری افزوده‌تر و مطالبات متنوع‌تر گردیده است و به دنبال آن انتظارات جامعه نیز از دانشگاه تغییر کرده و نقش تازه‌ای مطابق خواسته‌های جدید برای دانشگاه در کنار رسالت قبلی (انتقال علم و دانش) در نظر گرفته شده است. اما آنچه مسلم است در این تغییر و تحولات، ضرورت کارکرد دانشگاه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و هویت‌سازی پررنگ‌تر و قابل توجه‌تر گشته است. امروزه از دانشگاه انتظار می‌رود در رفع و کاهش نیازها و خلأهای فرهنگی و اجتماعی همپای علم و دانش در سطح جامعه بکوشد؛ چراکه ایفای نقش صرفاً آموزش و تربیت نیروی کار را می‌توان بر عهده‌ی آموزشگاه‌های تخصصی و فنی‌وحرفه‌ای‌ها نیز گذاشت. ولی تنها این دانشگاه‌ها هستند که مأمورند انسان‌هایی حساس به مسائلی نظیر فقر، نابرابری، آلودگی محیط زیست، دارای مسئولیت اجتماعی و متعهد به حفظ اصول و با روحیه‌ی انسانی تربیت کنند (کالینگفورد^۱، ۲۰۰۴).

دانش‌جویان به شیوه‌های متفاوتی از جمله ممکن است با جنسیت (زن یا مرد بودن)، عضویت در گروه (گروه‌های قومی)، روابط با دیگران (خانواده، عضویت در اجتماع مذهبی و غیره)، و یا نقش‌های گوناگون که آن‌ها بر عهده گرفته‌اند خودشان را تعریف می‌کنند. همچنین فرآیند شکل‌گیری هویت دانش‌جویان، متأثر از هویت جنسی آنان و نیز شبکه‌های اجتماعی و روابط آنان به ویژه با محیط دانشگاه و نیز رشته‌ی تحصیلی آنان است (فایرفیلد - آرتمن^۲، ۲۰۱۰). افراد این توانایی را دارند که هویت خود را تحت تأثیر افزایش دانش و آموزش و تحت تأثیر سازمان‌های اجتماعی و حرفه‌ای که در آن حضور دارند، تغییر دهند (بیرگیت ایگن^۳، ۲۰۰۳: ۵۴).

زندگی در دانشگاه منجر به برقراری ارتباط با گروه‌های رسمی و غیررسمی از قبیل: ارتباط استاد و دانش‌جو، ارتباط دانش‌جو با پرسنل اداری، ارتباط دانش‌جو با دانش‌جو می‌شود که دانش‌جو در فضاهای مشخصی از قبیل کلاس درس، خوابگاه، محیط دانشگاه و غیره تجربه می‌کند که

¹ Collingford

² Fairfield - Artman

³ Birgitte Eggen

زیستن در غربت و در کنار افراد با فرهنگ‌های متفاوت و عضویت در گروه‌های مختلف نقش اساسی در شکل‌گیری هویت نهایی فرد دارد.

در دنیای کنونی تغییر نقش دانشگاه با تبدیل فلسفه‌ی دانش برای دانش به دانش برای بازار کار تبدیل وظیفه‌ی دانشگاه از رفع نیازهای جامعه به رفع نیازهای دولت و به دنبال آن توده‌ای شدن آموزش عالی باعث شده حرکت از تمرکز بر درون داده‌ها و فرآیند (تربیت دانش‌جوی فرهیخته) به سمت پیامدها و نتایج مورد نظر بازار کار (تربیت دانش‌جوی تولیدکننده) شود و در نتیجه توجه به فرهیختگی و شهروندی در حاشیه‌ی فعالیت‌های دانشگاه قرار گیرد که این مسأله می‌تواند خطرآفرین باشد. همچنین با توجه به گستردگی ارتباطات و فناوری‌های اطلاعاتی، حرکت اطلاعات و دانش یک حرکت جهانی شده و دانشگاه تنها منبع تولید دانش و مدرک نیست. بنابراین دانشگاه برای رقابت با سازمان‌های دیگر و حفظ جایگاه خود در جامعه نیاز دارد نقش خود را از تولیدکننده‌ی مدرک به سمت تولیدکننده‌ی شهروند و هویت‌ساز و توسعه‌دهنده‌ی فرهنگ تغییر دهد. بنابراین بررسی این مسأله که دانشگاه به‌عنوان نهادی که متولی تربیت شهروند است، تا چه اندازه توانسته در زمینه‌ی شکل‌گیری هویت مناسب، موفق عمل کند، امری حائز اهمیت است

گرچه تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره‌ی هویت حرفه‌ای دانش‌جویان در دانشگاه انجام گرفته است، اما تحقیقی که تمامی جنبه‌های شکل‌گیری هویت دانش‌جویان را در نظام دانشگاهی ایران مورد بررسی قرار دهد؛ انجام نشده است. از این رو در تحقیق حاضر در تلاشیم تغییراتی را که در نگرش و عقاید دانش‌جویان که در نهایت منجر به شکل‌گیری هویت نهایی آنان پس از ورود به دانشگاه؛ صورت می‌گیرد بررسی و تحلیل کنیم.

پیشینه‌ی پژوهش

نتایج تحقیق افراسیابی و خوبیاری (۱۳۹۴) نشان داد هویت دانش‌جویی بیشتر دانش‌جویان در حد متوسط است و بر حسب نوع دانشگاه، رشته‌ی تحصیلی، مقطع تحصیلی و حق انتخاب تغییر می‌کند. متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی، چشم‌انداز شغلی، امید به آینده، رشته‌ی تحصیلی و درآمد خانواده مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده‌ی هویت دانش‌جویی هستند. تقویت مهارت‌ها و سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی دانش‌جویان در کنار رفع مشکلات شغلی و ترسیم امید و چشم‌انداز روشن از

آینده می‌تواند احساس تعلق آن‌ها را به هویت حرفه‌شان ارتقا بخشد و از این طریق دلبستگی و موفقیت آن‌ها را در ایفای نقش افزایش دهد.

نتایج تحقیق همتی و اصلانی (۱۳۹۴) نشان داد توسعه‌ی ناموزون گونه‌های هویت دانشگاهی وجود داشت، به صورتی که هویت مشروعیت‌بخش نسبت به هویت مقاومت و برنامه‌دار توسعه‌ی بیشتری در میان دانش‌جویان داشت و نسبت به دو گونه‌ی دیگر بیشتر از منابع درونی متأثر بود. هویت مقاومت بیشتر تحت تأثیر منابع بیرونی بود. وضعیت هویت برنامه‌دار حد میانه‌ی هویت مشروعیت‌بخش و مقاومت بود، به صورتی که در یک ارتباط مثبت با هر دو نوع منابع هویتی قرار داشت. نتایج تحقیق فاضلی و طالبیان (۱۳۹۱) نشان داد مهم‌ترین دلیل قوام‌نیافتگی هویت دانشگاهی در میان دانش‌جویان متعلق به طبقات متوسط مدرن در ایران، تطابق نداشتن گنجینه‌های تفسیری دانشگاهی با تجربه‌های زیسته‌ی دانش‌جویان در دانشگاه است.

نتایج تحقیق بقایی سرابی و اسماعیلی (۱۳۸۸) نشان داد سه متغیر سرمایه‌ی فرهنگی، فرهنگ دانشگاهی و انگیزه‌های تحصیلی، با همدیگر، به‌طور معنی‌داری تغییرات در هویت دانشگاهی را تبیین می‌کنند. در این بین، ابتدا فرهنگ دانشگاهی و بعد سرمایه‌ی فرهنگی اهمیت بیشتری در تبیین هویت دانشگاهی داشته و انگیزه‌های تحصیلی دانش‌جویان تأثیر قابل‌تعمیمی بر هویت دانشگاهی ندارد.

یافته‌های پژوهش شارع‌پور و همکارانش (۱۳۸۰) گویای آن است که شایستگی‌های کانونی دانش‌جویان (ویژگی‌هایی که باید همه‌ی دانش‌جویان آموزش عالی در همه‌ی رشته‌ها دارا باشند) بسیار پایین و ضعیف است. به‌عنوان نمونه دانش‌جویان در رابطه با شناخت و عمل به عناصر رفتار سازمانی ۶۱/۷ درصد؛ در شایستگی داشتن انتظارهای شغلی معقول ۴۹/۵ درصد؛ در شایستگی حل مسأله ۵۵/۶ درصد؛ در شایستگی توانایی برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات ۶۵ درصد؛ علاقه به رشته‌ی تحصیلی و درک مثبت و جهت‌گیری مثبت نسبت به رشته‌ی تحصیلی ۶۸/۹ درصد و آشنایی با ابعاد گوناگون رشته‌ی تحصیلی ۴۵/۲ درصد؛ فهم فرهنگی ۶۲ درصد، توانایی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های شخصی ۶۳/۳ درصد و آشنایی با ابزارهای تولید دانش ۵۹ درصد کل نمره را کسب کرده‌اند. همچنین ۵۲ درصد دانش‌جویان توانایی خود را در زمینه‌ی جمع‌آوری، سازمان‌دهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ضعیف و خیلی ضعیف دانسته‌اند.

نتایج پژوهش کارلون و جانسون^۱ (۲۰۰۷) تأثیر مستقیم جایگاه، نقش علمی دانش‌جو و نیز میزان درگیربودن دانش‌جو در دانش علمی را بر هویت علمی و حرفه‌ای دانش‌جویان نشان می‌دهد. فایرفیلد-آرتمن (۲۰۱۰) دریافتند که فرآیند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانش‌جویان، متأثر از هویت جنسی آنان و نیز شبکه‌های اجتماعی و روابط آنان به ویژه با محیط دانشگاه و نیز رشته‌ی تحصیلی آنان است.

کاماچو^۲ (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «خود و هویت، افزایش آگاهی دانش‌جویان از ردپای فناوری» در میان دانش‌جویان دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌های اسپانیا با استفاده از دو روش کمی و کیفی انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی جدید، به‌ویژه عضویت در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، در شکل‌گیری هویت دانش‌جویان و شناخت آنان از خویش مؤثر است.

همچنین دهینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۳) تحقیقی در زمینه‌ی توسعه‌ی هویت حرفه‌ای میان دانش‌جویان هلندی انجام دادند، نتایج این تحقیق نشان داد که دانش‌جویان مورد مطالعه در خصوص هویت حرفه‌ای از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. آن‌ها بهبود تعاملات و شبکه‌ی اجتماعی در گروه‌های آموزشی را عامل بهبود هویت حرفه‌ای دانش‌جویان می‌دانند.

مبانی نظری پژوهش

هویت در زبان فارسی، صفات جوهری، شخصیت، ذات، هستی و وجود معنا شده است. می‌تواند هم به فرد و هم به جمع تعلق یابد. هویت در افراد و آحاد یک ملت رخ می‌دهد و سپس اجتماع را در برمی‌گیرد. هویت داشتن تصویر روشن از چگونگی «بودن» است که ریشه در گذشته دارد، در حال شکل می‌گیرد و نظر به آینده دارد (نگارش، ۱۳۸۰: ۲۰). در تعریف هویت می‌توان گفت: مجموعه عوامل، آثار و نشانه‌هایی که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند (اعم از دینی، فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، سیاسی، تاریخی و ...) هویت نامیده می‌شود. هویت پدیده‌ای است که از «من» آغاز و به «ما» منتهی می‌شود. به بیان دیگر، از احساس «خود بودن» به احساس «همبستگی با اجتماع بزرگ ملی» توسعه پیدا می‌کند. به زبان ساده‌تر؛ هویت فردی یعنی: آگاهی

¹ Carlone & Johnson

² Camacho

³ Dehing

فرد نسبت به خود و هویت اجتماعی یعنی: تصور و آگاهی فرد از گروه و اجتماعی که عضو آن است (سبحانی‌جو، ۱۳۸۳: ۳۸).

هویت من احساسی است که از تبادل فرد با واقعیت اجتماعی‌اش ناشی می‌شود و از تغییرات محیط اجتماعی تأثیرپذیر است. رابطه‌ی متقابل یا دوجانبه‌ای که فرد با اجتماع بلافصل خود یا جامعه‌ی بزرگ‌تر دارد، زیربنایی‌ترین صفت هویت است. اریکسون آن را به‌عنوان سازگارکردن تصور فرد از خود یا بازشناسی اجتماع می‌بیند. اجتماع تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری هویت دارد. جامعه می‌تواند موقعیت‌های قراردادی را ارائه کند که در آن فرد با دیگران همانندسازی کند و به تقلید نقش بپردازد در نظریه‌ی اریکسون عوامل اجتماعی می‌توانند در ایجاد هویت منفی تأثیرگذار باشند (علی وردیلو، مهاجر کوهستانی، ۱۳۹۷: ۶-۵).

افرادی با سبک اطلاعاتی در برخورد با مسائل به شیوه‌ی کنشی عمل می‌کنند؛ کنکاش‌های هدف‌مند دارند و در تفکر خویش از شیوه‌ی ارزیابی و نقد استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۰). این سبک با ویژگی‌هایی همچون مسأله‌مداری، هوشیاری در تصمیم‌گیری، خوداکتشافی مستمر، استقلال در قضاوت، بازبودن در تجارب، پیچیدگی شناخت، خودگرایی و درون‌گرایی رابطه دارد (برزونسکی، ۲۰۰۴). در سبک هنجاری فرد در برخورد با مسائل به شیوه‌ی واکنشی هماهنگ با انتظارات و تجویزهای گروه‌های مرجع و دیگران مهم عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون ارزیابی از خویشتن، به درونی‌کردن ارزش‌ها و باورها می‌پردازد (جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰). افراد دارای این سبک ویژگی‌هایی را همچون وظیفه‌شناسی، یاری‌جویی، نیاز به ساخت‌مندی وقایع، خودپنداره پایدار افرادی با این سبک را در بر می‌گیرد (برزونسکی، ۲۰۰۴). ادراک فرد از خود به‌عنوان یک کل (هویت فردی) و سؤال‌هایی مانند من چه کسی هستم؟، چه می‌خواهم بشوم؟، از زندگی چه می‌خواهم؟ چه معیارهایی برایم ارزش‌مند است؟ از جمله سؤالاتی است که هر فرد در دوران زندگی تا زمانی که به هویت ثابت دست یابد از خود می‌پرسد. از دیدگاه روان‌شناسان این سؤالات در دوران جوانی و نوجوانی بسیار مهم است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

افراد این توانایی را دارند که هویت خود را تحت تأثیر افزایش دانش و آموزش و تحت تأثیر سازمان‌های اجتماعی و حرفه‌ای که در آن حضور دارند؛ تغییر دهند (بیرگیت ایگین، ۲۰۰۳: ۵۴). یک نوع هویت که می‌توانیم درباره‌ی آن صحبت کنیم، هویت آکادمیک و دانشگاهی است که از

ارتباط فرد با محیط دانشگاهی شکل می‌گیرد. تری و وایت^۱ دانشگاه را سازمانی می‌داند که هویت اجتماعی در آن شکل می‌گیرد (همتی و اصلانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در دانشگاه افراد با هویت‌های مختلف وارد شده و افراد با توجه به عادت‌هایی که دارند و از قبل در آن‌ها شکل گرفته عمل می‌کنند و روابط تنها بر اساس علم و اطلاعات و دانش نیست (ریزنده^۲، ۲۰۱۱). وایت و لونتال^۳ (۲۰۱۱) معتقدند محیط‌هایی که تجربه‌های دانشگاهی مثبت را موجب می‌شوند، به تقویت یک هویت دانشگاهی قوی منجر خواهند شد.

بورديو^۴ استدلال می‌کند که «مهم‌ترین دستاورد مدرسه و آموزش برای فرد، دانش ژرف و دقیق که فرد حاصل می‌کند نیست بلکه روش‌های کسب دانش، به دست آوردن عادات روحی خاص، روش‌های طرح پرسش و مسأله و رسیدن به موضع‌گیری‌های نظری، مهم‌ترین دستاوردهای یک سیستم آموزشی است». اما این سخن به آن معنا نیست که اگر مدرسه نتوانست افراد را برای پذیرش نقش‌های دانشگاهی آماده کند، در مراحل بالاتر امکان جامعه‌پذیری (هویت‌یابی) مجدد میسر نباشد (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۳۳).

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که "هویت" و نحوه‌ی شکل‌گیری آن یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی است که سیستم‌های آموزشی به‌طور کلی و نظام آموزش عالی به‌طور اخص باید برای بهبود کیفیت آن در جهت مثبت و مفید به منظور دست‌یابی به توسعه‌ی همه-جانبه‌ی کشور تلاش کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی انجام شد. روش انجام این پژوهش روایت‌نگاری بوده است. کالدینین^۵ (۲۰۰۶) معتقد است یکی از مهم‌ترین مقولاتی که پژوهش روایی مورد کاوش قرار می‌دهد، زمان‌مندی است. روش تحقیق روایتی در حقیقت کارکردن با داستان-هایی است که مردم به صورت خودآگاه بیان می‌کنند؛ داستان‌هایی که بر داستان‌های عمیقی که افراد به‌طور ناخودآگاه در ذهن‌شان دارند، استوار است. (بل^۶، ۲۰۰۲). این روش، روشی

¹ Terry and White

² Rezende

³ White & Levinetal

⁴ Bourdieu

⁵ Clandinin

⁶ Bell

هرمنوتیکی و دیالکتیکی است و از طریق گفت‌وگوهای غیررسمی قابل انجام است (کومار جا، ۲۰۱۸).

میدان تحقیق دانشگاه کردستان بود. مشارکت‌کنندگان شامل کلیه‌ی دانش‌جویان دانشگاه کردستان بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۴ نفر از دانش‌جویانی که حاضر به همکاری و روایت زندگی خود در دانشگاه بودند، به‌عنوان مشارکت‌کننده در تحقیق شرکت کردند. معیار ورود به تحقیق حداقل سه سال حضور در دانشگاه بود. برای این منظور از بین دانش‌جویان مقطع کارشناسی تلاش شده از دانش‌جویانی که در سال آخر تحصیل هستند، برای مصاحبه انتخاب شوند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در جدول شماره‌ی ۱ آمده است.

جدول شماره‌ی یک- ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	سن	موقعیت	جنسیت	رشته تحصیلی
۱	۳۲	دانش‌جوی دکتری	مرد	ادبیات
۲	۲۸	دانش‌جوی دکتری	زن	بیوتکنولوژی
۳	۳۳	دانش‌جوی دکتری	مرد	شیمی
۴	۲۵	دانش‌جوی کارشناسی ارشد	مرد	جنگل‌داری
۵	۲۶	دانش‌جوی کارشناسی ارشد	زن	شیمی
۶	۲۸	دانش‌جوی کارشناسی ارشد	زن	حسابداری
۷	۲۵	دانش‌جوی کارشناسی ارشد	زن	برنامه‌ریزی درسی
۸	۲۱	دانش‌جوی کارشناسی	مرد	مهندسی عمران
۹	۲۳	دانش‌جوی کارشناسی	زن	علوم تربیتی
۱۰	۲۲	دانش‌جوی کارشناسی	مرد	ادبیات عرب
۱۱	۲۴	دانش‌جوی کارشناسی	مرد	کامپیوتر
۱۲	۲۲	دانش‌جوی کارشناسی	مرد	کشاورزی
۱۳	۲۳	دانش‌جوی کارشناسی	زن	شیمی
۱۴	۲۳	دانش‌جوی کارشناسی	زن	فیزیک

^۱ Kumar Jah

مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه در نوسان بود. برای انجام مصاحبه از دو سؤال باز استفاده شد: ۱) آیا می‌توانید به من بگویید که در ابتدای ورود به دانشگاه چه دیدگاهی نسبت به هویت خود داشتید؟ سؤالات کنکاشی محقق برای دستیابی به پاسخ با کلمات محرکی که با چهار موضوع زندگی تحصیلی، زندگی کاری، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی و روابط با دوستان احاطه شده بود، مرتبط بود. سؤال ۲) می‌توانید به من بگویید که در رابطه با این موارد، در حین تحصیل و بعد از فارغ‌التحصیلی چه ذهنیتی دارید و خواهید داشت؟ و دانشگاه چه تغییراتی بر نگرش‌های شما داشت؟ شرکت‌کنندگان بیشتر تشویق می‌شدند که آزادانه صحبت کنند و سؤالات اضافی از آن‌ها پرسیده می‌شد؛ مانند آیا می‌توانید به من بیشتر بگویید؟ و چگونه در این وضعیت واکنش نشان می‌دادید؟ و چه احساسی داشتید؟ فکر می‌کنید در آینده نظراتان در این باره چه خواهد بود؟ این سؤالات برای عمیق‌تر کردن روایات پرسیده می‌شد. مصاحبه‌ها ضبط و سپس توسط مصاحبه‌گر رونویسی می‌شد و با توجه به مراحل براوون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل مضمونی انجام گرفت.

پژوهش‌گر بر مبنای روش براوون و کلارک (۲۰۰۶) مراحل زیر را برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به روش آنالیز موضوعی انجام داده است:

۱. آشنایی ابتدایی با متن مصاحبه‌ها: پژوهش‌گر به این منظور متن مصاحبه‌های پیاده‌شده را چندین بار مرور می‌کند.
۲. ایجاد کدهای اولیه: پژوهش‌گر به منظور ایجاد کدهای اولیه، بخش‌های مختلف متن مصاحبه‌ها را به روش زیر خط‌دار کردن متمایز کرده و با تمرکز بر کل متن، کدهای اولیه را استخراج می‌کند.
۳. جست‌وجو برای مضمون‌ها: پژوهش‌گر برای ایجاد مضمون‌های اولیه، کدهای اولیه را در طبقه‌های فرضی اولیه جمع‌آوری کرده و آن‌ها را در زیر مضمون‌های اولیه دسته‌بندی می‌نماید.
۴. مرور مضمون‌ها: پژوهش‌گر در این مرحله، یک بار دیگر مضمون‌های به‌دست‌آمده را مرور کرده و تعلق هرکدام از کدها را به زیر مضمون‌های شکل‌گرفته‌ی اولیه مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مرحله در صورتی که به نظر می‌رسد کدی به یک زیرمضمون دیگر تعلق دارد، جابه‌جا شده و تغییر نام زیرمضمون و ادغام زیرمضمون‌های مشابه مد نظر قرار می‌گیرد.

¹ Braun & Clarke

۵. تعریف هرکدام از مضمون‌های به‌دست‌آمده: پژوهش‌گر در این مرحله، نام مضمون‌های به‌دست‌آمده را مرور کرده و هرکدام از مضمون‌ها را تعریف می‌کند و داستان کلی را که روایت‌شده، مورد بررسی قرار می‌دهد سپس نامی را که به هر مفهوم، زیرمضمون و مضمون‌های اصلی داده شده، به شکل نهایی درمی‌آورد.

۶. تهیه‌ی گزارش: در این مرحله، پژوهش‌گر مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها و مفاهیم به‌دست‌آمده را از مصاحبه‌های شرکت‌کننده‌ها در یک جدول قرار می‌دهد.

به منظور افزایش روایی یافته‌ها از روش چک‌کردن شرکت‌کنندگان استفاده شد. به این شکل که پس از تجزیه و تحلیل کدها و نوشتن نقل قول‌ها، نتایج به صورت چاپ‌شده به مشارکت‌کنندگان ارائه شد که اطمینان حاصل شود که منظور مشارکت‌کنندگان دقیق در نتایج بیان شده یا خیر؛ که در نهایت صحت اطلاعات از طرف مشارکت‌کنندگان تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل از روش براون و کلارک از گذشته تا حال و آینده برای دست‌یابی به مضمون‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل مصاحبه‌ها، در دسته‌بندی اولیه، مضمون‌ها شامل ۱۵۰ بودند که پس از حذف مضمون‌های مشابه ۴۷ مضمون باقی ماند. در مرحله‌ی دوم مضمون‌سازی ۱۲ مضمون و در مرحله‌ی آخر که با بالاترین سطح انتزاع انجام شد به ۴ مضمون اصلی دست یافتیم. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها حاکی از آن است که دانشگاه می‌تواند در زمینه‌های گوناگون، در جهات مثبت و منفی، هویت دانش‌جویان را شکل دهد. در ادامه، توصیف‌های شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود و توصیفی جامع مربوط به هر مفهوم به صورت زیر به دست آمده است.

هویت اجتماعی

در این تحقیق هویت اجتماعی با عنوان مضمون اصلی و ۶ مضمون فرعی‌تر تردید در سنت‌ها، گرایش به فرهنگ غربی، افزایش اعتمادبه‌نفس، گرایش به برنامه‌ریزی در امور، بی‌اعتمادی و سرخوردگی اجتماعی توصیف شده است. نتایج مضمون‌ها در جدول شماره‌ی ۲ قید شده است.

جدول شماره‌ی دو- مضمون هویت اجتماعی

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مقوله‌ها
هویت اجتماعی	تردید در سنت‌ها	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بی‌توجهی به اعتقادات و آداب و رسوم سنتی خانواده ▪ عدم آموزش آشنایی با ایران باستان برای دانش‌جویان ▪ عدم آموزش آشنایی با فرهنگ‌های اقلیت ایرانی
	گرایش به فرهنگ غربی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ گرایش به مدهای غربی ▪ ایجاد علاقه به مهاجرت در نخبگان دانشگاهی ▪ علاقه به ورزش‌های غربی ▪ علاقه به سینمای غرب و فرهنگ اشاعه‌دهنده‌ی آن ▪ علاقه به آهنگ‌های غربی ▪ علاقه به غذاهای غربی
	افزایش اعتمادبه‌نفس	<ul style="list-style-type: none"> ▪ یادگیری صحبت‌کردن با دیگران بدون احساس شرم ▪ کاهش میزان مطیع‌بودن (فرمان‌برداری) ▪ یادگیری مستقل ▪ کاهش توجه به نظرات دیگران در انتخاب‌های شخصی
	گرایش به برنامه-ریزی در امور	<ul style="list-style-type: none"> ▪ در نظرگرفتن شرایط محیطی ▪ توجه بیشتر به آینده در اتخاذ تصمیمات ▪ توجه بیشتر به اهمیت زمان ▪ توجه به امکانات در دسترس
بی‌اعتمادی		<ul style="list-style-type: none"> ▪ ارتباط نامناسب با جنس مخالف ▪ عدم آموزش برای استفاده‌ی مناسب از فضای مجازی ▪ عدم اعتماد دانش‌جو به حراست ▪ نظارت نادرست مسؤولین دانشگاه ▪ عدم اعتماد به اساتید ▪ عدم اعتماد به دانش‌جوها در خوابگاه
		<ul style="list-style-type: none"> ▪ ناامیدی ▪ احساس پوچی ▪ نداشتن شادابی گذشته
سرخوردگی اجتماعی		

در ادامه به شرح مضامین به‌دست‌آمده پرداخته می‌شود.

۱) تردید در سنت‌ها: یکی از مضامین استخراج‌شده؛ تردید در سنت‌ها بود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «ببینید از وقتی اوادم دانشگاه احساس می‌کنم یه دنیای مدرن‌تر و متفاوت با خانواده هست، چه جوری بگم؟؟ ... در واقع در خانواده یه سری عقاید هست که احساس می‌کنم از وقتی اوادم دانشگاه برام جذابیت نداره و قبلاً بهشون بیشتر پای‌بند بودم. مثلاً استفاده از لباس سنتی یا آداب احوال‌پرسی که در خانواده داریم».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «ببینید من از وقتی اوادم دانشگاه نگاهم نسبت به خیلی از مسائل عوض شده. غیرت بیخود ندارم. وقتی دوستانم رو می‌بینم که چقدر به مادرشون یا خواهرشون احترام می‌ذارن یا اینکه دخترایی رو می‌بینم که اوادم دانشگاه و چقدر هم متین هستن و البته موفق تصمیم گرفتم نظر پدرم رو عوض کنم که خواهر کوچوکو بفرسته درس بخونه بره دانشگاه چون توی خونوی ما رسمه که دختر تا دبیرستان بیشتر نخونه».

۲) گرایش به فرهنگ غربی: یکی دیگر از مضامین استخراج‌شده در تم هویت اجتماعی، توجه ویژه به فرهنگ غربی بود در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است: «من همیشه سعی کردم درس بخونم و در حوزه‌ی رشته‌ی خودم حرفی برای بهبود شرایط کشورم داشته باشم و ادامه دادم تا مقطع دکتری ولی حالا که شرایط رو می‌بینم و با توجه به آن‌چه که تجربه کردم در دانشگاه‌های ما اصلاً آدم نمیتونه به بهبود فکر کنه و کلاً در دانشگاه‌های ما احساس می‌کنم شرایط رو طوری فراهم می‌کنن که آدم بذاره بره خارج از کشور و تبلیغات بیشتر در این جهت صورت می‌گیره و طوری هست که باعث میشه آدم اونا رو بیشتر از خودمون قبول داشته باشه».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «من از وقتی رفتم دانشگاه انقدر که استاد از خارج حرف زدن که منم علاقه‌مند شدم و یکی از هدف‌هام اینه که برم با فرهنگ اونا آشنا بشم و بعضی از عادت‌های فرهنگیشون که به ما می‌خوره یعنی می‌تونم تا حدودی این‌جا اجرا کنم، تصمیم دارم حتماً اجرا کنم ولو اینکه شاید بهم بگن جلف».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «من کلاً دوست دارم فیلم ایرانی ببینم و اصلاً با خارجی‌ها و فرهنگشون میونه‌ی خوبی ندارم. ولی هم‌اتاقیام انقدر فیلم زبان اصلی می‌دیدن و میگفتن که فیلم فارسی دیدن بی‌کلاسیه که منم کم‌کم ذائقه‌ی فیلم دیدنم عوض شد. اون موقع فک می‌کردم اونا کلاس میذارن ولی الان که نگاه می‌کنم من خودمم هر کی فیلم ایرانی ببینه خیلی عقب افتاده-ست خیلی دوره از دنیای مدرن».

۳) افزایش اعتمادبه‌نفس: یکی دیگر از مضامین استخراج‌شده در تم هویت اجتماعی، افزایش اعتمادبه‌نفس بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان می‌کند: «وقتی که خونه بودم و دبیرستانی همه‌ی کارامو خانواده انجام می‌دادند و من یاد گرفته بودم فقط درس بخونم ولی از وقتی اومدم این‌جا با توجه به شرایطی که محیط آکادمیک برای آدم فراهم می‌کنه به خوبی یاد گرفتم که چطور کارهامو خودم انجام بدم. مثلاً باید در خوابگاه خودت به فکر خودت باشی و با استاد هماهنگ باشی، برنامه‌هاتو خودت بچینی طوری که بتونی به همه‌ی کارهات برسی و پیگیری کارات خودت باشی هیچکس هم نیست که یادآوری کنه باید همه‌جوره جور خودشو خودم آدم بکشه. به عبارتی مادرم نیست این‌جا که آخر شب چک کنه برای فردا چیکاری دارم (با خنده)».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «من کارشناسی خونه بودم. شهر خودمون و منو می‌بردن دانشگاه بعد کلاس مخصوصاً ساعتای آخر می‌آمدن دنبالم. اصلاً برام روزی که قبول شدم شهر دور ارشد فاجعه بود. حتی بلد نبودم از عابر بانک استفاده کنم و این‌جا که یه مدت بودم فهمیدم که شب می‌تونم توی اتوبوس باشم می‌تونم خودم بدون همراه برم بانک و کارهای مهم مث این رو انجام بدهم. خودم می‌تونم بلیط رزرو کنم خودم برای خودم کافیم. نیازی نیست حتماً پدرم باشه یا برادرم».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «ترم اول که اومدم برام خیلی سخت بود که درباره‌ی مسیر یا کاری که نمی‌دونم از کسی سؤال کنم چون همیشه برادرم یا خواهر بزرگ‌ترم بودن همه‌ی کارا رو انجام می‌دادن. ولی وقتی اومدم این‌جا یاد گرفتم که اگه یه مسیر رو نمی‌دونم نه اینکه از رفتن صرف نظر کنم بلکه برم بپرسم آدرس بگیرم پیدااش کنم و کارمو انجام بدهم یاد گرفتم من هم می‌تونم تلاش کنم منتظر بمونم و نتیجه بگیرم. قبلاً برام خونواده ابتدای کار رو انجام می‌دادند و من فقط نتیجه رو دریافت می‌کردم».

۴) گرایش به برنامه‌ریزی در امور: یکی از مضامین استخراج‌شده در تم هویت اجتماعی؛ گرایش به برنامه‌ریزی در امور بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «ببینید من وقتی خونه بودم اصلاً به هیچ چیزی فکر نمی‌کردم. فقط درس بود و برای اون هم زمان اضافه می‌آوردم. به- عنوان مثال هر غذایی که هوسشو می‌کردم همه چیز آماده بود و من فقط حاضرش می‌کردم که تایم زیادی نمی‌برد و به بقیه کارهام لطمه نمی‌خورد ولی این‌جا خودتی و خودت باید یاد بگیری آیا غذا مهم‌تره؟ یا درست؟ یا کلاست؟ یا آزمون ارشد؟ یا تفریحت؟ بعد اون وسط یه جای خالی

باید پیدا کنی برای تهیه و خرید غذا و مواد غذایی یعنی می‌خوام بگم این‌جا خوبیش اینه که آدم یاد می‌گیره زمانش رو بر اساس اهمیت اهدافش تقسیم‌بندی کنه».

یکی دیگه از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «این‌جا توی دانشگاه مسأله‌ی خیلی مهمی که آدمو می‌سازه اینه که یاد می‌گیری خودتو وفق بدی با شرایطی که هستی یعنی درواقع وقتی دبیرستان بودم همه چیزو باید با برنامه‌های من هماهنگ می‌کردن ولی این‌جا آدم یاد می‌گیره که چطور برنامه‌هاشو بچینه که هروقت فرصت شد بخوره هروقت که مناسب بود بخوابه یعنی یه چیز روتین نداری و هر روز باید برنامه بریزی با توجه به شرایط اتاقت یا تغییراتی که یهو استاد می‌خواد برنامه رو تغییر بده و تو باید خودتو هماهنگ کنی».

۵) بی‌اعتمادی: یکی دیگه از مضامین استخراج‌شده در تم هویت اجتماعی، بی‌اعتمادی بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد معتقد است: «به نظرم ارتباط برقرارکردن با جنس مخالف خیلی زیاده و یه ارتباط انسانی نیست. من خودم آدم مغروری بودم ولی وقتی اومدم دانشگاه به یه نفر علاقه‌مند شدم و علتش هم تعریف‌های آن‌چنانی و رویایی دوستام از اون فرد بود و من احساس می‌کردم که قراره با یه جنتلمن مواجه بشم که غلط بود و دامی بود که اون فرد از طریق هم‌کلاسی‌هام برام پهن کرده بود و خیلی لطمه خوردم از اون رابطه وقتی فهمیدم همش دروغ بود. به نظرم اگر انقدر محدودیت در محیط نبود ما بهتر می‌تونستیم همدیگر رو بشناسیم و کمتر لطمه بخوریم».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «من یه استاد داشتم که همه جوره خوب بود همه هم قبولش داشتن که آدم درستیه و کار غیر اخلاقی و اسلامی نمی‌کنه و منم هیچ وقت ارزش کار غیرعرفی ندیده بودم. کلاً انقدر صمیمی بودیم که کلید اتاقش دست من بود و چون منم آقا بودم ایشون هم آقا دانشگاه هم مشکلی نداشت. دیگه بین چقد به هم اعتماد داشتیم خلاصه که خیلی قبولش داشتیم، اعتماد زیاد، ولی همین آدم یه حرکتی انجام داد که من دیگه به چشم خودم هم نمی‌تونم اعتماد کنم دیگه یاد گرفتم هرکی هرچقدم خوب بازم اعتماد کامل خوب نیست».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «به نظرم دانشگاه مرکز کلک‌زدن و یادگیری این مسأله می‌بینی استاد دانش‌جو رو سر کار می‌ذاره دانش‌جو استاد رو یا دو تا دوست همدیگه رو یا حتی پرسنل اداری به نظرم یه روند بی‌اعتباری و بی‌اعتمادی شدیدی در دانشگاه‌های ما حکم‌فرماست نارو زدن یه چیز طبیعیه من اینو این‌جا متوجه شدم».

۶) سرخوردگی اجتماعی: یکی دیگر از مضامین استخراج‌شده در تم هویت اجتماعی سرخوردگی اجتماعی بود. در این زمینه یکی از دانش‌جویان بیان می‌کند: «شما خودتونو بذارید جای منی که همیشه خونه بودم تفریح و مراسم شادیم به راه بوده الان اوادم این‌جا اصلاً دانشگاه که سینما نداره، برنامه‌ی تفریحی کلاً تعطیله و توی شهر هم ما چون دختریم خیلی نمی‌تونیم بیرون باشیم داخل خوابگاه هم اجازه‌ی دورهم جمع شدن و شلوغ کاری نداریم پس ما کی تفریح کنیم؟ کلاً آدم به خمود می‌رسه و الان این شاد نبودن شده عادت، طوری که خونه هم میرم خانواده تعجب کردن که من چرا انقدر بی‌تفاوت و سرد شدم».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «من به عنوان یه دختر یه رژ لب زدم استادم که هیچ کاره است تذکر داد... چرا باید یه دختر اجازه‌ی رژ زدن نداشته باشه؟ من درسم هم خوب بود آرایش رو نه برای جلب توجه اصلاً بهم احساس تمیزی میده احساس آرامش... چرا باید از من اینو بگیرند؟ وقتی آرایش نمیکنم انگار حوصله ندارم کسبم خب چه اشکال داره؟ اگر روی درسم تأثیر منفی داشت یه چیزی ولی اینجوری اصلاً روی اعصاب آدمه این مسأله همش به این فکر می‌کنم که دارن برام تعیین تکلیف در کارهای شخصیم می‌کنن... خونواده‌ی من مشکلی با من ندارن چون می‌دونن زیاده‌روی نمی‌کنم به همین خاطر توی خونه که هستم احساس آرامش بیشتری می‌کنم».

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده مشاهده شد که فضای دانشگاه می‌تواند در زمینه‌های مختلف، هویت اجتماعی دانش‌جویان را شکل دهد. به گونه‌ای که دانش‌جویان بیان کردند پس از ورود به دانشگاه می‌توانند بهتر خود را مدیریت نموده و اعتمادبه‌نفس و برنامه‌ریزی بیشتری در انجام کارها دارند. از طرفی بیان کردند که با فرهنگ جدیدی آشنا می‌شوند و باورهای جدید و تا حدودی غربی را جایگزین باورهای درونی‌شده می‌نمایند. همچنین با توجه به فرح‌بخش نبودن فضای آکادمیک دچار نوعی افسردگی و بی‌اعتمادی شده‌اند.

هویت علمی

یکی از ابعادی که از نظر مشارکت‌کنندگان در فرآیند حضور در دانشگاه دچار تحول شده است؛ هویت علمی دانش‌جویان است. مضامین؛ مدرک‌گرایی، تغییر هدف تحصیل، عدم آموزش منش آکادمیک، از جمله مضامین فرعی‌تر در تم هویت علمی است که جدول شماره‌ی ۳ بیان‌گر ساب‌تم‌ها و مضامین این تم است.

جدول شماره‌ی سه - مضمون هویت علمی

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مقوله‌ها
هویت علمی	تغییر هدف تحصیل	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تغییر جهت ادامه تحصیل برای خودشکوفایی به ادامه‌ی تحصیل برای دستیابی به شغل ▪ تغییر جهت ادامه‌ی تحصیل برای لذت‌بردن به ادامه‌ی تحصیل برای مهاجرت ▪ تغییر جهت ادامه‌ی تحصیل برای کشف‌کردن به ادامه‌ی تحصیل برای جلب توجه دیگران
	مدرک-گرایی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ طفره‌رفتن از پاسخ مناسب به سؤالات علمی دانش‌جویان ▪ عدم تدریس مباحث درسی مرتبط با ارزیابی ▪ اتلاف وقت کلاس درس ▪ عدم استفاده از روش‌های تدریس مفهومی ▪ استفاده از روش‌های سنتی ▪ تکیه بر حفظیات ▪ ارائه‌ندادن مطالب روزآمد ▪ کم‌توجهی به پرورش قوه‌ی تفکر خلاق
	عدم آموزش منس آکادمیک	<ul style="list-style-type: none"> ▪ عدم فروتنی و انتقال این حس به دانش‌جو ▪ عدم شهامت دفاع از حق و انتقال این حس به دانش‌جو ▪ عدم وجود دل‌سوزی اساتید و انتقال این حس به دانش‌جو ▪ بی‌توجهی به روابط انسانی و هستی دانش‌جو از طرف اساتید ▪ بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت ادبی ▪ عدم رعایت انصاف و عدالت و انتقال به دانش‌جو

مضمون‌های مربوط به تم هویت علمی در ذیل شرح داده شده است.

(۱) تغییر هدف تحصیل: یکی از مضامین استخراج‌شده در تم هویت علمی، تغییر هدف تحصیل است که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد بیان می‌کند: «من قبلاً احساس می‌کردم هر کسی بره دانشگاه چون یک محیط علمی هست خیلی چیزهای جدید یاد می‌گیره در همه‌ی زمینه‌ها نه تنها علمی. درواقع فک می‌کردم آدمو یک جنتلمن می‌سازه در صورتی که الان فقط به این فک می‌کنم که فقط دانشگاه و محیط بی‌معنی‌اش تموم بشه که برم سرکار و بقیه زندگی». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «من قبل از ورود به دانشگاه هر وقت یه چیزی یاد می‌گرفتم خیلی برام جالب و جذاب بود و همش در مورد اون مطلب سرچ می‌کردم به نوعی خود

یادگیری برام جذابیت داشت. اما وقتی وارد دانشگاه شدم انقد مطالب کلیشه رو اساتید بهشون اهمیت می‌دادند که اصلاً ربطی به یادگیری نداشت الان هدفم کلاً تغییر کرده فقط میگم درس بخونم در حدی که دانشگاه‌های خارجی قبولم کنند و برم دیگه بیشتر از اون رو فعلاً توی هدفام نیست اون‌جا هم برم همین مونده برام فقط در حدی مطالعه می‌کنم که ازم بخوان نه بیشتر».

۲) مدرک‌گرایی: یکی از مضامین استخراج‌شده در تم هویت علمی، مدرک‌گرایی است که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه معتقد است: «من وقتی اوادم دانشگاه با این فکر اوادم که با یه سری آدما روبه‌رو می‌شم که وقتی بپرسی علم بهتر است یا ثروت؟ میگن علم درحالی‌که وقتی رفتم سر کلاس و دیدم که اساتید از روی اکره میان سر کلاس و بیشتر از بچه‌ها از کلاس و درس گریزانند و اینکه اگه بهشون اجبار نمی‌کردند اصلاً کار پژوهشی هم انجام نمی‌دادند و سرکلاس هم به جای درس دادن درد دل میکنن این شد که الان دیگه فهمیدم مسأله‌ی اصلی که ما این‌جایم فقط سپری کردن یه دوره است که اگه چیزی هم نفهمیدیم مهم نیست فقط نمره‌ی ده پاسی مهمه همین».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «... یه استادی داشتم رفتم راهنمایی ازش بگیرم در مورد یه مطلب درسی فراتر از درس کلاس جوابی که به من داد این بود «دفاعتو انجام بده برو چرا دنبال مسائل بیشتری چرا انقدر خودتو اذیت می‌کنی که بیشتر یاد بگیری با همین اطلاعاتت هم از بقیه جلوتری» به نظرتون وقتی نگاه استاد این باشه دانش‌جو چی میشه اون وقت؟؟؟».

۳) عدم آموزش منش آکادمیک: یکی از مضامین استخراج‌شده در تم هویت علمی، عدم آموزش منش استادی است که در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم فردی که در دانشگاه یه مدتی هست باید یه سری ویژگی‌های خاصی داشته باشه و اینو بیشتر اساتید می‌تونن منتقل کنن به دانشجو. ولی اساتید خیلی مغرورند و اصلاً هیچکس به چشمشون نمیاد و در پژوهش، سرقت ادبی هم معمولیه به نظرشون».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «به نظرم دانشجو در محیط از استادش اخلاق رو یاد می‌گیره ولی انگار اساتید اساساً خیلی از مسائل رو رعایت نمی‌کنند و به خاطر یه مسأله‌ی کوچیک تمام وجود دانش‌جو رو می‌بره زیر سؤال وقتی این فرد الگو باشه برای ما ببینید ما چی میشیم».

در نتیجه‌ی مصاحبه‌های انجام شده به این نتیجه دست یافتیم که یادگیری و فهم مطالب اهمیت کمتری نسبت به مدرک و فارغ‌التحصیلی دارد و هدف اصلی در دانشگاه‌ها فقط دادن مدرک تحصیلی و فارغ‌التحصیل کردن دانش‌جویان بدون تغییری در اطلاعات و منش آنان است.

هویت سیاسی و ملی

هویت سیاسی و ملی یکی از تم‌های به‌دست‌آمده در نتیجه‌ی تحلیل مصاحبه‌هاست که شامل دو مضمون فرعی تر عدم وجود کنش‌گری سیاسی و آموزش نامناسب برای رسیدن به اتحاد ملی است. تم و مضامین آن در جدول شماره‌ی ۴ قید شده است.

جدول شماره‌ی چهار- مضمون هویت سیاسی و ملی

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مقوله‌ها
هویت سیاسی و ملی	عدم وجود کنش‌گری سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • رواج بی‌اعتمادی به ایدئولوژی حاکم • رواج عدم شرکت در انتخابات • رواج بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت کشور
	آموزش نامناسب برای رسیدن به اتحاد ملی	<ul style="list-style-type: none"> • توجه زیاد به فرهنگ محلی و کم‌توجهی به سایر اقلیت‌ها • عدم آموزش اتحاد بین اقوام ایرانی • عدم آموزش ارزش مند بودن فرهنگ‌های اقلیت کشور • ضعیف‌بودن «ما» ملی • قوی‌بودن «ما» محلی و بومی

مضامین قید شده در جدول در ذیل توضیح داده شده است:

(۱) عدم وجود کنش‌گری سیاسی: یکی از مضمون‌های تم هویت سیاسی و ملی عدم وجود کنش‌گری سیاسی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «به نظرم یکی از بدی‌های دانشگاه ما اینه که اصلاً بحث در مورد مسایل سیاست کشور نیست و در رابطه با اینکه چی درسته چی غلطه صحبت نمیکنه و قبلاً مهم بود که یک روشنفکر آکادمیک باید در مورد سیاست کشور و آینده کشور اطلاعات داشته باشه ولی بعد از ورود به دانشگاه انقد گفتن نباید در این مورد حرف بزیند که مشکلی پیش نیاد دیگه بی‌تفاوت شدم».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «من وقتی خونه بودم همیشه پدرم با وجود اینکه خیلی ضعیف بود ولی انتخابات رو شرکت می‌کرد و ما رو هم تبلیغ در جهت مثبت می‌کرد که

حتماً شرکت کنید و ولی الان فرضاً ما به دوره انتخابات بود توی دانشگاه بودیم و انقدر بچه‌ها گفتن اصلاً اهمیتی نداره ارزش نداره که وقت بذاریم و فلان و بهمان که اون روز ما نرفتیم و نشستیم خوابگاه شطرنج بازی کردیم و به نظر خودم در همه‌ی زمینه‌های سیاسی نه تنها انتخابات الان خیلی بی‌تفاوت‌تر شدم».

۲) آموزش نامناسب برای رسیدن به اتحاد ملی: یکی دیگر از مضمون‌های تم هویت سیاسی و ملی آموزش نامناسب برای رسیدن به اتحاد ملی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«ما هرکدام متفاوت هستیم مسلماً هنجارها و ارزش‌های خاص فرهنگ خودمونو داریم و به نظرم آداب و رسوم یک منطقه درسته برای بقیه جالبه و شاید غیر قابل قبول ولی اینکه بخواهیم به تمسخر بگیریم اون هم در فضای آکادمیک و بین یه سری روشنفکر به اصطلاح، اصلاً درست نیست و اصلاً آموزش هم داده نمیشه و حتی به نظرم این‌جا توی دانشگاه این چیزا بیشتر اتفاق می‌افته و حتی بچه‌هایی که ترم اول اصلاً این جور برخورد نمی‌کردند دیگه سال‌های آخر یه جورایی تأثیر گذاشته فضای این‌جا بهشون».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «بین من خیلی از زندگیمو در دانشگاه بودم نه اینکه بگم این‌جا این جوریه دانشگاه‌های مقطع ارشد و کارشناسیم هم که این‌جا نبودم وضع همین بود اصلاً بچه‌هایی که دانشگاه توی شهرشون بود یا شهرای اطراف دانشگاه به شکلی که نسبت به ما بیشتر بومی بودن خودشون رو تافته‌ی جدا بافته می‌دونستن انگار دانشگاه ملکشونه و حتی پرسنل و اساتید هم حق رو به اون‌ها می‌دادند درسته سهمیه‌ی بومی و غیره ولی وقتی وارد دانشگاه شدی باید جو به شکلی باشه که به همه‌ی دانش‌جوها به یه شکل نگاه بشه باید یک مای کلی باشه نه اینکه افراد محلی اون شهر یا منطقه صاحب همه چی باشن».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگری بیان می‌کند: «والا من تا وقتی که دانشگاه نیومده بودم اصلاً برام مهم نبود طرف مقابلم کی باشه از چه قومیت و مذهب و آیینی ولی وقتی وارد دانشگاه شدم انقدر هر کسی گفت فلانی از ما نیست فلانی از ماست که منم یاد گرفتم اصلاً انقدر برام عقده شده که هر جا باشم ناخودآگاه از طرف مقابلم می‌پرسم ببینم کجاییه آیا از شهر و منطقه‌ی خودمه یا نه؟ که اگه باشه کلی هم کار اشتباه انجام بده گذشت می‌کنم خیلی هم احساس آرامش می‌کنم چون از همین موارد توی دانشگاه ضربه خوردم».

در نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها و نقل قول‌ها به این نتیجه دست یافتیم که دانشگاه‌ها به‌طور کلی در زمینه‌ی ایجاد اتحاد ملی و حساسیت در زمینه‌های سیاسی کمتر فعالیت کرده و آموزش‌های لازم را ارائه نمی‌دهند.

هویت معنوی

هویت معنوی یکی از تم‌های به‌دست‌آمده در نتیجه‌ی تحلیل مصاحبه‌هاست که شامل یک مضمون فرعی‌تر کم‌رنگ‌شدن باورهای معنوی است. مضامین آن در جدول شماره‌ی ۵ قید شده است.

جدول شماره‌ی پنج- مضمون هویت معنوی

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مقوله‌ها
هویت معنوی	کم‌رنگ‌شدن باورهای مذهبی	<ul style="list-style-type: none"> • انجام‌ندادن اعمال مذهبی • قبول‌نداشتن حجاب • ایجاد گرایش به سمت ادیان غیر الهی

در ذیل مضامین مربوط به تم هویت معنوی توضیح داده شده است:

۱) کم‌رنگ‌شدن باورهای مذهبی: یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «من وقتی خونه هستم همیشه نماز سر و قته ولی این‌جا وقتی دور هم هستیم با بعضی از بچه‌ها که نماز نمی‌خورن فرضاً به خاطر دور هم بودن یا به فیلم دیدن یا هرچیز ساده‌ای نماز رو عقب می‌ندازم و این کم‌کم برام طبیعی شده و نگاه دوستانم مثلاً همش میگن وای الان دیگه جوونا نماز نمی‌خورن و پای‌بندی به مسائل مذهبی به جور کولی‌بازی در دانشگاه محسوب میشه انگار هر کی انجام بده داره تظاهر میکنه و هیچ کس قبول نداره».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «احساس می‌کنم روابط در زمانی که توی خونه هستیم خیلی محدودتره و آدم با همون چندتایی که نظرشون مث نظر خانواده هست رابطه داره ولی وقتی میایی دانشگاه و خوابگاه مخصوصاً روابط خیلی گسترده میشه خیلی با آدم‌هایی (مکت) ... اینطوری بگم مذهبی نیستن به قول خودشون و دلایلشون بیشتر هم صحبت و آشنا میشی من خودم که تحت تأثیر قرار گرفتم..... شاید از نظر خیلی‌ها غلط باشه ولی الان خیلی برای اینکه حتماً محجبه باشم یا چیزایی مث این اصلاً اونقدر اهمیت نمی‌دهم».

در نتیجه‌ی مصاحبه‌های انجام‌شده نتیجه گرفتیم که اکثریت مشارکت‌کنندگان معتقد بودند بعد از ورود به دانشگاه کمتر در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند و به‌طور کلی فضای دانشگاه به گونه‌ای نیست که به تقویت باورهای مذهبی منجر شود.

در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان قید کرد که دانشگاه‌ها در تغییر هویت ساخته‌شده توسط خانواده و جامعه قبل از ورود به دانشگاه و شکل‌گیری هویت جدید در زمینه‌های اجتماعی، معنوی، سیاسی و علمی می‌توانند دخالت داشته باشند. از این رو می‌توان در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی به عوامل فوق‌الذکر توجه نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل و مقایسه‌ی روایت‌های دانش‌جویان از هویت خود قبل از ورود به سیستم آموزش عالی با آنچه که در دانشگاه برایشان اتفاق افتاده، می‌توان به این نتیجه دست یافت که نظام آموزشی در نحوه‌ی رفتار و عقاید و ارزش‌هایشان در آینده تأثیرگذار بوده است، در همین حال محقق ضمن بررسی اینکه دانشگاه در کدام زمینه‌ی هویتی دانش‌جویان بیشتر تأثیرگذار بوده؟ و اینکه تأثیرگذاری در جهت مثبت یا منفی بوده است؟ راه‌کارهایی به منظور کاهش پیامدهای منفی حضور در دانشگاه در جهت دستیابی به هویت مناسب ارائه می‌کند.

بنابراین همان‌طور که در قسمت یافته‌ها نشان داده شد، یکی از زمینه‌های تأثیرگذار دانشگاه بر هویت‌سازی دانش‌جویان، ساختن هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی تأکید می‌کند که رفتار افراد، عناصر و مشخصه‌های اجتماعی افراد را منعکس می‌کند. این بدان معناست که ساختارهای اجتماعی مانند گروه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگ‌ها و از همه مهم‌تر افراد با این عناصر جمعی هویت‌یابی می‌کنند. بر اساس نظریات هویت اجتماعی مردم به‌عنوان اعضای یک گروه جمعی، نهادها و فرهنگ‌ها فکر می‌کنند و عمل می‌کنند، این دیدگاه این ایده را تقویت می‌کند که شناخت اجتماعی افراد، بر اساس گروه‌هایشان یا چارچوب‌های جمعی مرجع تفسیر می‌شود (پادایلا و پرز، ۲۰۰۳).

نتایج تحقیق نشان داد که در زمینه‌ی شکل‌گیری هویت اجتماعی در دانش‌جویان، محیط دانشگاهی منجر شده است که افراد به سنت‌های خود بی‌توجه شوند و گرایش به پذیرش فرهنگ

¹ Padilla & Perz

غربی در آن‌ها افزایش یافته است. تحقیقات محمدبخش و همکاران (۱۳۹۰)، مطالعه‌ی حبی و همکاران (۱۳۸۹)، ذوالفقاری و سلطانی (۱۳۸۹) نیز در همین راستا بوده است. نتایج تحقیق حاضر همچنین نشان داد که در زمینه‌ی شکل‌گیری هویت اجتماعی در دانش-جویان، محیط دانشگاهی منجر شده است که اعتماد به نفس دانش‌جویان افزایش پیدا کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که دارای اعتمادبه‌نفس پایین‌تری هستند، نسبت به آن‌هایی که اعتمادبه‌نفس بالاتری دارند بیشتر به هم‌نوایی در موقعیت اجتماعی تن در داده و به راحتی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و از طرف دیگر پایین‌بودن اعتمادبه‌نفس یکی از زمینه‌های آسیب‌پذیری نسبت به افسردگی شناخته شده است. این مورد با نتایج تحقیق بحرینی و همکاران (۱۳۸۳) هماهنگ است.

در رابطه با ساختن هویت اجتماعی دانش‌جویان عامل مهم دیگری که مورد تأکید قرار گرفت، ایجاد سرخوردگی اجتماعی دانش‌جویان پس از ورود به آموزش عالی است. به گونه‌ایی که با کاهش عوامل شادی‌زا و ایجاد محدودیت و نداشتن تفریحات سالم در محیط آکادمیک منجر به ایجاد سرخوردگی اجتماعی دانش‌جویان می‌شود که با نتایج تحقیق لی^۱ (۲۰۰۴) و پیکل^۲ (۲۰۰۱)، لیوین^۳ (۲۰۰۰)، رحمانی بیدختی و همکاران (۱۳۹۳)، حسن‌زاده طاهری و همکاران (۱۳۹۰) هم‌راستا است.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر بی‌اعتمادی عامل دیگری است که دانشگاه به منظور ساختن هویت اجتماعی دانش‌جویان در جهت منفی، تأثیرگذار بوده است. این مورد با نتایج تحقیق قورچیان و همکاران (۱۳۹۱) هماهنگ است.

همچنین نتایج نشان داد دانش‌جویان با حضور در دانشگاه گرایش بیشتری به برنامه‌ریزی امور روزانه‌ی خود دارند. این نتیجه در تحقیق حاضر اشاره شده است و در نتایج تحقیقات دیگر نیامده است.

از عوامل دیگری که در نتایج تحقیق نشان داده شد تأثیرگذاری دانشگاه بر شکل‌گیری هویت علمی دانش‌جویان است. در این زمینه نتایج نشان داد حضور در دانشگاه منجر می‌شود که ارزش علم و تحقیق در نگاه دانش‌جویان کم شود و همچنین دانش‌جویان معتقدند دانشگاه در انتقال منش

¹ Lee

² Paykel

³ Levine

آکادمیک ضعیف عمل کرده است. در این زمینه نتایج تحقیق فراستخواه (۱۳۸۵) نشان داد اخلاقیات حرفه‌ای علمی از طریق کنش ارتباطی و هم‌کنش‌های یاران دانشگاهی و ذی‌نفعان اجتماع علمی، توسعه می‌یابد. این مورد با نتایج تحقیق مصلی‌نژاد و مرشد بهبهانی (۱۳۹۲)، احمدی و همکاران (۱۳۹۴) هماهنگ است.

از عوامل دیگری که در نتایج تحقیق نشان داده شد، تأثیرگذاری دانشگاه بر شکل‌گیری هویت ملی و سیاسی دانش‌جویان است. در این زمینه نتایج نشان داد، حضور در دانشگاه منجر می‌شود که مسائل ملی و سیاسی در نگاه دانش‌جویان کم شود. قورچیان و همکاران (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند: حذف سیاست در دانشگاه، میدان برای حکومت‌های خودکامه مهیا شده، قدرت انتقادی جامعه و به چالش کشیدن مسئولان و استیضاح آنان کاهش می‌یابد. معمولاً دانش‌جو غیر از رسالت علمی، یک رسالت اجتماعی - فرهنگی هم دارد که یک نیروی چالش‌گر بالقوه به شمار می‌رود. این نتیجه با نتایج تحقیق نصرتی (۱۳۸۴)، مهدوی و محمدجانی (۱۳۹۴) هم‌راستا است.

از عوامل دیگری که در نتایج تحقیق نشان داده شد تأثیرگذاری دانشگاه بر شکل‌گیری هویت معنوی دانش‌جویان است. در این زمینه نتایج نشان داد حضور در دانشگاه منجر می‌شود که دانش‌جویان نسبت به مسائل دینی-مذهبی بی‌تفاوت‌تر عمل کنند. این مورد با نتایج تحقیق مرشدی و خلیج (۱۳۹۱)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۷) هماهنگ است.

با توجه به روایت‌های بیان‌شده از طرف دانش‌جویان به این نتیجه رسیده‌ایم که دانشگاه و محیط آکادمیک می‌تواند در هویت از قبل ساخته‌شده‌ی دانش‌جویان در خانواده یا هویت از قبل ساخته‌شده در محیط دبیرستان پس از ورود به دانشگاه تغییراتی ایجاد کند که در این زمینه مصاحبه‌شوندگان به جهت‌دهی مثبت و منفی هویت دانش‌جویان اشاره کرده‌اند که در ذیل به تفسیر آن می‌پردازیم:

پیامدهای منفی محیط آکادمیک عبارت‌اند از اینکه در حوزه‌ی شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌جویان، دانشگاه نتوانسته است به صورت مؤثری عمل کند. به گونه‌ای که دانش‌جویان اشاره کرده‌اند محیط آکادمیک باعث شده است نسبت به ارزش‌های سنتی، آداب و رسوم بی‌توجه شوند و این موضوع می‌تواند اصالت ایرانی‌بودن و فرهنگ‌های متنوع ایران را خلدشده‌دار کند و گرایش به فرهنگ و مدهای غربی را افزایش دهد و در نتیجه آن کشوری خواهیم داشت که مردمش گریزان از فرهنگ خود و وابسته به غیر هستند. پیامد منفی دیگری که در نتایج به آن اشاره شده است بی-اعتمادی حاکم بر جو آکادمیک است. از دیدگاه دانش‌جویان، فضای حاکم نمی‌تواند بین دانش-

جویان و بین دانش‌جویان و مسئولین اعتماد متقابل ایجاد کند. بنا بر نتایج؛ دانشگاه نتوانسته است آموزش مناسب برای برقراری ارتباط مناسب و انسانی بین دانش‌جویان از دو جنس مخالف و ایجاد اعتماد به مسئولین امر و اساتید و دانش‌جویان به هم را فراهم کند. ناتوانی در برقراری ارتباط نامناسب می‌تواند از چالش‌هایی باشد که در آینده با آن مواجه خواهیم بود.

پیامد منفی سوم دانشگاه، تأثیر شرایط محیطی بر روحیات دانش‌جویان است. جامعه نیازمند افرادی شاد، فعال و باانگیزه است درحالی‌که نتایج نشان می‌دهد ناامیدی، یأس و گرایش به پوچی از اثرات محیط دانشگاهی بر روحیه‌ی دانش‌جویان است که منجر به افزایش افسردگی می‌شود. این امر می‌تواند با مقوله‌ی دیگری با عنوان تغییر هدف تحصیل که در نتایج قید شد مرتبط باشد. به گونه‌ای که اگر دانشگاه محیط شادی فراهم کند دانش‌جویان بیشتر از تحصیل لذت می‌برند و علم و دانش برایشان ارزشمند محسوب می‌شود. به تغییر هدف تحصیل نیز از پیامدهای منفی حضور در دانشگاه اشاره شد. ارزش‌مند بودن علم و دانش از نگاه اعضای یک جامعه مهم‌ترین عامل پیشرفت در جامعه‌ی جهانی است.

در پیامدهای منفی دیگر و مؤثر در شکل‌گیری هویت دانش‌جویان که به آن اشاره شد، مقوله‌ی منش آکادمیک است که گویا در این زمینه نیز دانشگاه نتوانسته مؤثر عمل کند. پیامد منفی دیگری که دانش‌جویان اشاره کرده‌اند بی‌توجهی به مسائل سیاسی کشور است که منجر شده دانش‌جویان نسبت به آینده‌ی کشور بی‌تفاوت شوند. این امر می‌تواند با پیامد منفی دیگری (نبودن اتحاد ملی) که دانش‌جویان اشاره کرده‌اند مرتبط باشد. زمانی‌که افراد یک جامعه همدیگر را به‌عنوان یک کل واحد قبول نداشته باشند و جزئیات فرهنگی، آن‌ها را از هم جدا کند، مسلماً آینده‌ی کشور برایشان مهم نیست و رو به نابودی خواهند رفت. کم‌رنگ‌شدن باورهای معنوی در بین دانش‌جویان دانشگاهی از پیامدهای منفی دیگر حضور در محیط آکادمیک است.

علاوه بر پیامدهای منفی ذکرشده، دانشگاه در مواردی نیز نتوانسته است هویت دانش‌جویان را در جهت مثبت هدایت کند. در این زمینه دانش‌جویان قید کرده‌اند که پس از ورود به دانشگاه اعتمادبه‌نفسشان افزایش یافته است و مورد دیگر گرایش به برنامه‌ریزی در امور است.

مقوله‌ی اصلی در این تحقیق تغییر باورهای و شکل‌گیری هویت دوره‌ی جوانی و میان‌سالی و شکل‌گیری هویت دانش‌جویان در زمینه‌های مختلف است. ایجاد در تغییر نگرش‌های افراد و شکل‌گیری هویت دانش‌جویان بیش از سایر نهادهای متولی به عهده‌ی دانشگاه است که تحت تأثیر عوامل متعددی چون تعامل‌های مختلف با افرادی است که در دانشگاه حضور دارند و

گذراندن واحدهای درسی شکل می‌گیرد در نهایت دانش‌جو با انتخاب و بر اساس کوشش و خطا و استفاده از تجربیات دیگران بر مبنای خرد فردی و اجتماعی، هویت خود را می‌سازد. با توجه به نتایج تحقیق تاکنون نظام آموزش عالی نتوانسته است در این زمینه مؤثر عمل کند. برای برون‌رفت از این مسأله توسط مصاحبه‌شوندگان پیشنهادهایی ارائه شد که به شرح زیر است:

• از آن‌جاکه نتایج پژوهش نشان داد دانشگاه آموزش‌های لازم در زمینه‌ی مسایل سیاسی ارائه نمی‌دهد و آموزش‌های غیررسمی توسط دوستان منجر به اشتباه‌رفتن مسیر سیاسی توسط دانش‌جو می‌شود. می‌توان پیشنهاد داد تا تربیون آزاد و معرفی چهره‌های سیاسی موفق و جلب توجه دانش‌جویان به اهمیت آینده‌ی کشور در برنامه‌ی دانشگاه‌ها قرار گیرد.

• از آن‌جایی‌که نتایج پژوهش نشان داد بعضی اساتید اخلاقیات را رعایت نمی‌کنند و الگوهای نامناسب برای دانش‌جویان هستند؛ پیشنهاد می‌شود از اساتیدی با ویژگی‌هایی از قبیل: فروتن و متواضع، عدالت‌محور، مقید به احکام اسلامی به منظور ارائه‌ی الگویی عملی برای دانش‌جویان استفاده شود.

• از آن‌جایی‌که در نتایج نشان داد دانش‌جویان به سمت مدرک‌گرایی گرایش پیدا کرده‌اند و به علم کمتر اهمیت می‌دهند پیشنهاد می‌شود تکالیف از طرف اساتید به گونه‌ای انتخاب شوند که نشان دهند: ۱- فهم و یادگیری علم مهم است نه حفظیات و دستیابی به مدرک ۲- ارزش‌مندن شمردن وقت دانش‌جو و تلف‌نکردن وقت کلاس از سوی استاد ۳- حضور استاد در کلاس با آمادگی کامل و مسلط بر محتوای مورد تدریس باشد؛ زیرا این امر می‌تواند اهمیت علم و دانش-اندوزی را به دانش‌جو منتقل کند. ۴- معرفی زندگی‌نامه‌ی دانشمندان هر رشته و برجسته‌کردن موفقیت‌های آنان به منظور افزایش ارزش علم ۵- تشویق دانش‌جویان برای ابراز عقیده در بحث‌های مختلف.

• با توجه به این‌که در نتایج تحقیق آمده است که هویت ملی به خوبی تقویت نشده و دانش‌جویان توانایی پذیرش فرهنگ‌های مختلف را ندارند؛ پیشنهاد می‌شود: ۱- افزایش سفرهای ایران-گردی و آشنایی با فرهنگ مردمان مختلف که هم جنبه‌ی تفریحی دارد و هم به نوعی زمینه‌های آشنایی با تشابه‌ها و اتحاد ملی را فراهم می‌کند. ۲- ارائه‌ی برنامه‌های گفت‌وگو و سخنرانی مشاوران و روان‌شناسان برتر به منظور افزایش توانایی پذیرش فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف.

• با توجه به این‌که در نتایج تحقیق قید شده که دانش‌جویان پس از ورود به دانشگاه به افسردگی مبتلا می‌شوند پیشنهاد می‌شود: ۱- تأسیس سینما در دانشگاه ۲- فراهم کردن زمینه برای

برگزاری شب شعر ۳- توجه بیشتر به فضای سبز دانشگاه ۴- آموزش مناسب به نگهبانان و مسئولین حراست، اساتید و پرسنل به منظور برقراری رفتار مناسب با دانش‌جویان به دلیل این‌که رفتار افراطی این افراد منجر به ایجاد روحیه‌ی ضعیف در دانش‌جویان می‌شود.

بر این مبنا این نتیجه به دست می‌آید که گرچه عوامل متعددی در روابط غیررسمی و پنهان بر هویت دانش‌جویان مؤثر است، اما نقش اساسی روابط رسمی، اداری و مخصوصاً ارتباط استاد و دانش‌جو و ارتباط دانش‌جو با دانش‌جو در کلاس و خارج از کلاس درس انکارناپذیر است. به همین دلیل با طراحی صحیح دوره‌های آموزشی دانشگاه و تغییر ملاک‌های انتخاب و ارزش‌یابی اعضای هیأت علمی و توجه بیشتر به سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی حاکم بر محیط آکادمیک، می‌تواند در جهت دست‌یابی به هویت مناسب دانش‌جویان در محیط آکادمیک مؤثر باشد و نا-امیدی و یاس و عدم علاقه به تحصیل در آنان را کاهش دهد.

منابع

۱. احمدی، غلامعلی؛ پسندیده، جواد و احد دهقانزاده (۱۳۹۴) «فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران»، نشریه‌ی مطالعات آموزشی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، سال چهارم، شماره‌ی اول: ۲۲-۳۴.
۲. افراسیابی، حسین و فهیمه خوبیاری (۱۳۹۴) «هویت دانشجویی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های یزد»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۴): ۱۹-۱.
۳. بحرینی، مسعود؛ محمدی باغ‌ملائی، مسعود؛ زارع، محمدعلی و شهره شهامت (۱۳۸۳) «تأثیر آموزش ابراز وجود بر میزان اعتماد به نفس دانشجویان پرستاری»، مجله‌ی ارمان دانش، سال دهم، شماره‌ی ۳۷: ۸۹-۹۶.
۴. بقایی سرابی، علی و محمدجواد اسماعیلی (۱۳۸۸) «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، ۳(۴): ۲۰۳-۱۷۵.
۵. جوکار، بهرام و مسعود حسین چاری (۱۳۸۰) «بررسی رابطه‌ی پای‌بندی به اعمال عبادی و سبک‌های هویت»، مقاله‌ی ارائه و چاپ‌شده در مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران.
۶. محبی، اکرم؛ آذر فتحی، اسکندر و بهمن محمدبخش (۱۳۸۹) «جهانی‌شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان، مطالعه‌ی موردی دانشگاه تبریز»، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره‌ی ۲: ۱۰۱-۱۲۱.
۷. حسن‌زاده طاهری، محمد مهدی؛ مقرب، مرضیه؛ اخباری، سیدهادی؛ رئیس‌سون، محمدرضا و عمادالدین حسن‌زاده طاهری (۱۳۹۰) «شیوع افسردگی در دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۸۹-۸۸»، مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۲: ۱۱۶-۱۰۹.
۸. ذوالفقاری، ابوالفضل و لاوین سلطانی (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی سبک زندگی با هویت قومی جوانان: مطالعه‌ی موردی شهرستان مهاباد»، جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۲: ۵۰-۲۴.

۹. رحمانی بیدختی، ناهید؛ صادقی خراشاد، محمود و بیتا بیجاری (۱۳۹۳) «مقایسه‌ی شیوع افسردگی در دانشجویان پزشکی سال‌های اول و آخر دانشگاه علوم پزشکی بیرجند»، *مجله‌ی علمی علوم پزشکی بیرجند*، دوره‌ی ۲۱، شماره‌ی ۲: ۲۵۲-۲۴۶.
۱۰. سبحانی‌جو، حیاتعلی (۱۳۸۳) «هویت و بحران هویت»، *ماه‌نامه‌ی پیوند*، شماره‌ی ۳۰۱: ۳۸.
۱۱. شارع‌پور، محمود؛ صالحی، صادق و محمد فاضلی (۱۳۸۰) «بررسی میزان تسلط بر شایستگی کنونی در دانشجویان ایرانی»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی ۱۸: ۸۸-۶۳.
۱۲. شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۰) *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
۱۳. صادقی، راضیه؛ تاجیک‌زاده، فخری و مهناز مهربانی‌زاده هنرمند (۱۳۹۲) «رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویت در دانشجویان»، *مجله‌ی علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ضمیمه: ۲۱۶-۲۰۶.
۱۴. عزیزی، نعمت‌الله؛ ریگی، عاطفه و مجید قاسمی (۱۳۹۷) «بررسی مشکلات موجود در سیاست‌گذاری فرهنگی-اجتماعی آموزش عالی»، *کنفرانس ملی سیاست‌گذاری در آموزش عالی*.
۱۵. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶) *فرهنگ و دانشگاه*، تهران: ثالث.
۱۶. فاضلی، نعمت‌الله و حامد طالبیان (۱۳۹۱) «علل قوام نیافتگی هویت دانشگاهی در میان دانشجویان متعلق به طبقات متوسط مدرن در ایران»، *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۶(۱۸)، ۱۳۳-۱۸۰.
۱۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۵) «اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی، جایگاه و سازوکارهای «اخلاقیات حرفه‌ای علمی» در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران»، *فصل‌نامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری*، شماره‌ی ۱: ۲۷-۱۳.
۱۸. قورچیان، نادرقلی؛ آراسته، حمیدرضا و پروش جعفری (۱۳۹۱) *دایره‌المعارف آموزش عالی*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، بنیاد دانش‌نامه‌ی بزرگ فارسی.
۱۹. محمدبخش، بهمن؛ حبیبی، اکرم و فردین قریشی (۱۳۹۰) «جهانی‌شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز»، *رفاه اجتماعی*، شماره‌ی ۴۳: ۳۴-۷.

۲۰. مرشدی، ابوالفضل و حسین خلیج (۱۳۹۱) «ارزیابی سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی کشور: کثرت در وحدت فرهنگی / همزیستی فرهنگ علمی و دینی»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۴: ۱۰۷-۱۴۴.
۲۱. مصلی‌نژاد، لیلی و بهار مرشد بهبهانی (۱۳۹۲) «نقش استادان در شکل‌گیری ابعاد پنهان برنامه‌ی درسی: یک مطالعه‌ی کیفی»، *مجله‌ی گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، دوره ۲، شماره ۲: ۱۱-۲۲.
۲۲. علی وردیلو، معصومه و الناز مهاجرکوهستانی (۱۳۹۷) «بررسی تطبیقی تأثیر نقش خانواده و اجتماع در شکل‌گیری بحران هویت در کودکان از نظر اسلام و اریک اریکسون»، *همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره‌ی پیش‌دبستانی*، <http://www.hkiip97.ir/fa>
۲۳. مهدوی، سید محمدصادق و محمدرضا محمدجانی (۱۳۹۴) «چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دختر (ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۱: ۷۲-۵۳.
۲۴. نصرتی، روح الله (۱۳۸۴) «بررسی صورت‌بندی الگوهای هویتی محلی، ملی و جهانی در میان دانشجویان دانشگاه تهران (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان آذری و کرد دانشکده‌های علوم انسانی و فنی)»، *پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی علوم سیاسی*.
۲۵. نگارش، حمید (۱۳۸۰) *هویت دینی و انقطاع فرهنگی*، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۶. همتی، رضا و شهناز اصلانی (۱۳۹۴) «عوامل مؤثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تأکید بر نقش اینترنت»، *فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۱(۳): ۱۲۱-۱۴۹.

27. Bart, S; Berzonsky, M. D.; Papini, D. R. (2015) «Attending to the role of identity exploration in self-esteem: Longitudinal associations between identity styles and two features of self-esteem». **International Journal of Behavioral Development**, V40: 420-430.

28. Bell, J. S. (2002) «Narrative Research in TESOL; Narrative inquiry: More than just telling stories», **TESOL Quarterly**, vol.36, No. 2, summer.

29. Berzonsky, M. D. (1990) « Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation». In G. J. Neimeyer & R. A.

Neimeyer (Eds.), **Advances in personal construct psychology: A research annual**, Vol. 1, pp. 155-186.

30. Berzonsky, M. D. (2004) «Identity style, parental authority, and identity commitment». **Journal of Youth and Adolescence**, 33, 213-220.

31. Birgitte Eggen, Astrid (2004) **Alfa and Omega in Student Assessment; Exploring Identities of Secondary School Science Teachers**, Institutt for Laererutdanning OG skoleutvikling Universitetet I Oslo.

32. Braun V & Clarke V. (2006). «Using thematic analysis in psychology». **Qualitative Research in Psychology** 8, 77-101.

33. Camacho, M., Minelli, J., Grosseck, G. (2012) «Self and identity: Raising undergraduate students' awareness on their digital footprints». **Social and Behavioral Sciences**, 46: 3176-3118.

34. Carlone, H. B. & Johnson, A. (2007) «Understanding the Science Experiences of Successful Women of Color: Science Identity as an Analytic Lens», **Journal of Research in Science Teaching**, 44(8): 1187-1218.

35. Clandinin. D. J. (2006) **Handbook of Narrative Inquiry: Mapping a Methodology**. SAGE Publications.

36. Cullingford, C (2004) «Conclusion the Future- is Sustainability Sustainable», In John Blewitt & Cardic Collingford, **The Sustainability Curriculum: The Challenge for Higher Education**, Eartscan Publications.

37. Dehing, A. J. M., Jochems, W. M. G., & Baartman, L. K. G. (2014) «The development of engineering student's professional identity during workplace learning in industry: A study in Dutch bachelor education». **Engineering Education**, 8:42-64.

38. Fairfield-Artman, Patricia (2010) «Narratives of Female ROTC Student-Cadets the Postmodern University», A dissertation Submitted to the Faculty of The Graduate School at The University of North Carolina at Greensboro.

39. Kumar Jha, s. (2018) «Narrative Texts in Narrative Inquiry: Interpretive Voices to Better Understand Experiences in Given Space and Time». **Scientific Research Publishing**, 7: 237-249.

40. Lee JS, Koeske GF, Sales E. (2004) «Social support buffering of acculturative stress: A study of mental health symptoms among Korean international students». **J Int Rela**, 28(5): 399-414.

41. Levine R. E Bryant S. G. (2000) «The depressed physician: a different kind of impairment». **Hosp Physician**. 36(2): 67-73.

42. Padilla, A.M & Perez, W. (2003) «Acculturation, social identity and social cognition: A new perspective», **Hispanic journal of Behavioral sciences**, vol. 25, No.1, pp: 35 _55.

43. Paykel ES. (2001) «The evolution of life events research in psychiatry», **J Affect Disord**, 62(3):49-141.

44. Rezende, F. (2011) «Dynamics of identity in the academic field and implications to science students' identity formation». **Cultural Studies of Science Education**, 6(1): 187–192.

45. White, J. W., & Lowenthal, P. R. (2011) «Academic discourse and the formation of an academic identity: Minority college students and the hidden curriculum». **Review of Higher Education**, 34(2): 1-47.